

کودتای نافرجام ترکیه و تأثیر آن بر بحران سوریه



در شب ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ درحالی‌که اخبار بین‌المللی متمرکز بر حمله تروریستی ۱۴ ژوئیه داعش به شهر نیس فرانسه بود، خبر وقوع کودتای نظامی در ترکیه، جهت اخبار بین‌المللی به سمت تحولات ترکیه رفته و رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به رصد لحظه‌به‌لحظه تحولات ترکیه پرداختند.

آران نیوز: طبق گزارش‌های اولیه، نیروهای نظامی ترکیه وارد خیابان‌ها در استانبول و آنکارا شدند و حتی اقدام به دستگیری بخشی از نیروهای پلیس کردند. هلی‌کوپترهای نظامی بر فراز شهر آنکارا به پرواز درآمدند و با اشغال رادیو و تلویزیون، خبر کودتا توسط ارتش قرائت شد. تانک‌های شورشیان بیرون از فرودگاه آتاتورک استانبول و در مناطق مهم آنکارا و استانبول مستقر شدند. کودتایچیان ترکیه اعلام کردند که برای حمایت از نظام و دموکراسی و حقوق بشر کودتا کرده‌اند. اخبار همچنین حاکی از دستگیری سران این کشور توسط کودتایچیان بود. ولی درمقابل، حزب عدالت و توسعه طرفداران خود را برای حمایت درمقابل کودتاگران فراخواند. در غیاب رسانه‌های حاکمیتی تحت کنترل کودتاگران، شبکه‌های اجتماعی و نهادهای مدنی نقش مؤثری در شکست طرح کودتا داشتند و آنها با اطلاع‌رسانی، آگاه‌سازی، سازماندهی و ترغیب مردم به مقاومت قابلیت‌های بی‌بدیل خود را به نمایش گذاشتند. به‌طوری‌که شبکه‌های اجتماعی حضور توده‌وار مردم در خیابان را که تنها می‌توانست هرج‌ومرج مضاعف به‌همراه آورد را تبدیل حضور شهروندی آگاه به شرایط و مطالبات خویش نمودند. رجب طیب اردوغان، از طریق شبکه‌های اجتماعی موفق شد صدای خود را به گوش مردم ترکیه رسانده و از آنها بخواهد تا برای مقابله با کودتاگران به خیابان‌ها بریزند. وی از دنیا نیز خواست با ملت ترکیه همراهی کنند. رئیس اداره دیانت ترکیه نیز از مردم خواست که شورش علیه کودتا را یک وظیفه دینی بدانند. پخش مکرر اذان از مناره‌های مساجد و درخواست از مردم برای حضور در خیابان‌ها و خنثی کردن کودتا نیز مؤثر بود و مردم را به خیابان‌ها کشاند.

در این‌میان، افسران عالی‌رتبه ارتش به‌ویژه بخش نیروی زمینی که نقشی در کودتا نداشتند، نیز علیه کودتاگران وارد عمل شدند. درگیری‌ها در ترکیه میان نیروهای ارتشی طرفدار دولت و کودتایچیان تا صبح ادامه داشت. در نهایت با مداخله مردم و پلیس و ارتش، کنترل استانداری و رادیو و تلویزیون و فرودگاه به دست مردم افتاد و عاملین کودتا دستگیر و کودتا شکست خورد.

البته اقدام ناموفق نظامیان در ترکیه، شکنندگی وضعیت ثبات سیاسی و دموکراسی در کشوری که روزگاری داعیه‌دار تبدیل شدن به الگوی توسعه و حکمرانی مطلوب در منطقه را بر سر می‌پروراند را بازنمایی می‌کند؛ باین‌همه، باید به نقش مؤثر جامعه مدنی در این کشور اشاره کرد که برای اولین بار طی پنج دهه گذشته، پنج‌مین تلاش نظامیان برای مداخله در حوزه سیاست را ناکام نهاد. مطالعه تطبیقی کودتای ناموفق اخیر ترکیه با کودتای پیروز دو سال گذشته در مصر درس‌آموز است. آنچه ترکیه را با وجود برخی پیشرفت‌های نامتوازن اقتصادی و علمی به سمت بی‌ثباتی شدید سوق داد، ماجراجویی در سیاست خارجی به‌ویژه در بحران سوریه از یک‌سو و ایجاد انسداد سیاسی، انسجام‌زدایی در داخل و دامن زدن به گسست‌های اجتماعی به‌ویژه شکاف‌های قومی - مذهبی بود که جامعه را به سمت قطبی شدن راند و بخشی از گروه‌ها و نخبگان به حاشیه رانده‌شده را به طراحی کودتا واداشت؛ لذا یکی از علل وقوع کودتا را می‌توان بازخورد سیاست‌های غلط اردوغان در چند سال گذشته خصوصاً درقبال تحولات سوریه و مسائل منطقه‌ای دانست که موجب بروز داعش و گروه‌های تروریستی دیگر و ایجاد مشکلات متعدد شامل ناامنی و تهدیدات تروریستی و مشکل مهاجرین، هم برای ترکیه و هم منطقه و جهان شد.

به‌هرحال، کودتا و شکست آن، موجب بازتر شدن چشم مقامات ترکیه به حقایق و وقایع پیرامونی و نقش آمریکا در تحولات منفی منطقه شده و سیاست ترکیه را به سمت همکاری و تعامل بیشتر با همسایگان سوق خواهد داد. شکست کودتا و پیروزی اردوغان موجب تقویت موقعیت احزاب و جریان‌های اسلام‌گرا در ترکیه خواهد شد. سر دادن شعارهای الله‌اکبر، نماز خواندن به جماعت در خیابان و پخش مکرر اذان از مساجد و درخواست از مردم برای حضور در خیابان‌ها و نقش برخی شخصیت‌های دینی در دعوت از مردم برای حضور در خیابان، برخی از جلوه‌های مذهبی شکست کودتا در ترکیه بود؛ نکته‌ای که اردوغان پس از پیروزی اینگونه آن را بیان کرد که لطف خدا با ما بود.

در این تردیدی نیست که نکات این کودتا از نگاه اردوغان و مشاورانش دور نمانده، آنها را به تأمل بیشتر در شرایط جدید حاکم بر ترکیه و جایگاه و موقعیت اردوغان و دولتش و حزب حاکم «عدالت و توسعه» در موازنات سیاسی و معادلات داخلی و خارجی وادار خواهد کرد.

در چنین شرایطی دور از انتظار نیست، افق‌های روشنی فراروی حل بحران سوریه ایجاد شود، اقدام ترکیه در بستن مرزهایش با استان ادلب سوریه می‌تواند اولین بازتاب کودتای نظامی در ترکیه بر تحولات سوریه باشد که در دل خود بازتاب‌های گسترده و عمیقی بر روند بحران سوریه خواهد گذاشت.

ترکیه درطول بحران سوریه برای گروه‌های تروریستی و عناصر مسلح به‌عنوان پلی عمل کرده که به‌واسطه آن تروریست‌ها نیازهای خود را تأمین می‌کردند و آزادانه بین مرزهای مشترک دو کشور در تردد بودند. در تمام طول این سال‌ها اگر مرزهای ترکیه نبودند، گروه‌های تروریستی برای یک روز امکان بقا و ادامه مبارزه در سوریه را نداشتند. این کشور با استان‌های حلب، ادلب، لاذقیه، رقه و حسکه در استان سوریه دارای مرزهای مشترک است؛ استان‌هایی که درطول بحران سوریه همواره کانون بحران بوده‌اند.

استان حلب، اولین و بزرگ‌ترین قربانی مطامع و چشمداشت‌های اردوغان در سوریه بود. در این‌راستا، کسی نمی‌تواند، غارت و سرقت کارخانه‌ها و صنایع شهر حلب به دست تروریست‌ها و انتقال آنها به ترکیه را فراموش کند. به لطف حمایت‌های دولت ترکیه محاصره گروه‌های تروریستی در بخش شرقی شهر حلب توسط ارتش سوریه تاکنون با شکست مواجه شده و این کشور منجی این گروه‌ها در حلب بوده و عملیات ارتش سوریه را ناکام گذاشته است.

به‌هرحال، ارتش سوریه این روزها در تدارک عملیات سرنوشت‌ساز تکمیل حلقه محاصره گروه‌های تروریستی در شرق حلب است، اگر آنگونه که انتظار می‌رود، ترکیه مرزهای خود را به روی تروریست‌ها ببندد و مانع تردد آنها و انتقال کمک‌های امدادی و مهمات نظامی به این گروه‌ها شود و راه ارتباطی تروریست‌ها با دنیای خارج را قطع کند، به آزادی حلب یک گام بیشتر باقی نمی‌ماند. در همین‌راستا، چندی پیش، منابع سوری از قطع جاده کاستیلو از سوی ارتش سوریه و در محاصره قرار گرفتن کامل شرق حلب خبر دادند. ارتش و نیروهای مقاومت سوریه با تسلط بر مناطق راهبردی مزارع ملاح توانستند پیشروی به سمت این جاده را تسهیل دهند. جاده کاستیلو مسیر ارتباطی گروه‌های تروریستی در شهر حلب با حومه‌های شمالی آن است.

تسلط ارتش و نیروهای مقاومت سوریه بر منطقه مزارع الملاح و پیشروی در منطقه الیرمون و قطع جاده کاستیلو مانع ارتباط گروه‌های تروریستی شده و تروریست‌ها در شرق و شمال شرق حلب محاصره شده‌اند. به‌هرحال، امروزه درگیری‌ها در این منطقه به‌شدت افزایش یافته است. در استان ادلب اگر حمایت‌های ترکیه و پناه دادن تروریست‌ها در مناطق مرزی جنوب ترکیه نبود، گروه تروریستی تکفیری «جبهه النصره» هیچ‌گاه امکان اشغال شهر ادلب و تأسیس امارت اسلامی همانند داعش در شهر رقه را نمی‌یافت.

همان‌گونه که اشغال بخش شمالی استان لاذقیه به دست گروه‌های تروریستی چینی و قفقازی و کشورهای آسیای میانه تنها به لطف ترک‌ها ممکن شد.

شرایط گروه‌های تروریستی و عناصر مسلح در دو استان حسکه و رقه نیز به همین ترتیب جریان داشت، با این تفاوت که وجود مناطق گردنشین در این دو استان انگیزه اردوغان که دشمنی و خصومت دیرینه‌ای با کردها دارد، را برای حمایت و پشتیبانی همه‌جانبه از گروه‌های تروریستی دوچندان می‌کرد.

هیچ‌کس نمی‌تواند منکر رشد و بالندگی و قدرت گرفتن داعش در سوریه و عراق شود، خرید نفت مسروقه از میدان‌های نفتی و گازی سوریه و عراق و فروش آن در بازارهای جهانی، در کنار خرید آثار باستانی و تاریخی این دو کشور پس از انتقال به ترکیه، ثروت و منبع درآمد هنگفتی برای داعش به‌وجود آورد که تأثیر بسزایی بر قدرت‌گیری این گروه در منطقه

داشت.

حال اگر اردوغان از کودتای اخیر درس گرفته و به این درک رسیده باشد که اولین قربانی حمایت از داعش و تعامل با آن، خود او خواهد بود، باید در انتظار پایان دادوستد نفتی و آثار باستانی این گروه با آنکارا و قطع مهم‌ترین و اساسی‌ترین منابع درآمد این گروه باشیم. آنچه موجب افزایش امیدها به رویگردانی آنکارا از گروه‌های تروریستی شده، اظهارات سران ترکیه در هفته‌های اخیر بود که از تغییر رویکرد این کشور در قبال بحران سوریه حکایت داشت که محافل سیاسی داخلی و خارجی را غافلگیر کرده بود. اظهارات اردوغان پیش از عزیمت به لهستان برای شرکت در نشست سران ناتو در فرودگاه آتاتورک درخصوص مطرح شدن بحران سوریه در این نشست با بیان اینکه ترکیه دارای تاریخی کهن با سوریه است و نمی‌تواند چشمان خود را به روی حذف این کشور از نقشه جهان ببندد، تأکیدی ضمنی بر حفظ تمامیت ارضی سوریه تلقی می‌شد. در همین حال، تأکید نخست‌وزیر ترکیه مبنی بر امکان سازش با سوریه و لزوم فداکاری همه طرف‌ها برای تحقق این هدف، در کنار عذرخواهی اردوغان از پوتین در حادثه سرنگونی جنگنده روسی در نوامبر گذشته در شمال غربی سوریه بر آغاز مجدد مناسبات ترکیه با روسیه به‌عنوان بزرگ‌ترین متحد بین‌المللی سوریه و تصمیم سران ترکیه به تغییر رویکردشان در بحران سوریه حکایت دارد.

مقایسه وضعیت ترکیه در قبل و بعد از مشارکت این کشور در پروژه‌های اخوانی کردن منطقه و براندازی نظام در سوریه به‌روشنی نشان می‌دهد که ترکیه نه تنها از مشارکت در این پروژه‌ها هیچ سودی نبرده است، بلکه برعکس در همه عرصه‌ها ضررهای هنگفتی متحمل شده که برخی از آنها به‌خصوص در حوزه‌های امنیتی جبران‌ناپذیر شده است. اگر این فرض را بپذیریم که بزرگ‌ترین چالش امنیتی ترکیه از ناحیه کردهای جدایی‌طلب ناشی می‌شود، بعد از مشارکت ترکیه در طرح براندازی دولت و نظام سیاسی در سوریه، این چالش به مراتب بیشتر شده است، به‌گونه‌ای که نیروهای گرد شمال سوریه اکنون تحت حمایت‌های پ‌ک‌ک ترکیه و آمریکا آزاد و بی‌پروا از تمایلات استقلال‌طلبانه خود صحبت می‌کنند. براین اساس، می‌توان گفت که ترکیه پیش از کودتا تلاش داشته با ترمیم و اصلاح رویکرد چند سال گذشته خود در قبال سوریه و آشتی با روسیه، با چالش‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی ناشی از مشارکت بی‌محابا در طرح براندازی دولت و نظام سیاسی در سوریه مقابله کند و دست‌کم مخاطرات آن را به حداقل برساند. این کودتا می‌تواند بحران سوریه را به سمت کاهش تنش پیش برده و اوضاع را برای داعش در عراق و سوریه تنگ‌تر کند. این کودتا همچنین می‌تواند به نقش فعال‌تر ترکیه برای تعدیل سیاست‌های سعودی در راستای مقابله با ایران در منطقه منجر شود.

قطعا پی بردن به آثار سیاسی و بین‌المللی کودتای ترکیه نیاز به زمان بیشتری دارد و تحولات روزهای آتی، چشم‌انداز روشن‌تری را در قبال تحولات آینده منطقه و روابط ترکیه با کشورهای دیگر ارائه خواهد کرد.

با این برداشت و درک از تحرکات سیاسی ترکیه در عرصه دیپلماسی بین‌الملل انتظار می‌رود این تحرکات و رفتارها پس از کودتای نظامی در این کشور تشدید شده و روند سریع‌تری به خود بگیرد که در این حالت باید در انتظار پایان بحران سوریه در آینده نزدیک بود. /لیلا رحمتی